

● معرفی کتاب

جغرافیای سیاسی دریایی = امنیت و مسایل سرزمینی در خلیج فارس

Security and Territoriality in the Persian Gulf = A Maritime Political Geography

عربستان سعودی پهناورترین کشور است) ایران به عنوان بزرگ‌ترین کشور منطقه معرفی شده است که سراسر نیمه‌ی شمالی دریا را شامل می‌شود و با هفت کشور عربی در کرانه‌های متقابل همسایگی دارد. این روش ویژه‌ی مطالعه که ناشی از یک دید جغرافیایی است، موجب می‌شود که در بیشتر موارد، بحث‌های کتاب با یک دید جغرافیایی دنبال شود.

مقدمه‌ی کتاب شامل بحثی است پیرامون دلایلی که مطالعه‌ی مسأله‌ی امنیت در منطقه را از دید مسایل سرزمینی، ضروری ساخته است. پس از دو صفحه سیاسی نامه، متن کتاب با یک پیش‌گفتار مفصل درباره‌ی روندی که نظام جهانی دهه‌ی ۹۰ و آغاز سده‌ی بیست و یکم را دگرگون می‌سازد و این که

این کتاب ۳۰۰ صفحه‌ی شامل ده فصل در چهار بخش است. افزون بر آن، کتاب دارای یک مقدمه، یک سپاس‌نامه، یک پیش‌گفتار و پنج ضمیمه است که هر یک سند پراهمیتی در رابطه با مطالب متن است و در پایان آن نیز فهرست مفصلی از یادداشت‌ها و منابع به اضافه‌ی فهرست مفصل دیگری در کتاب‌شناسی مورد استفاده در متن آمده است. خلیج فارس در این کتاب به عنوان یک منطقه‌ی ژئوپولیتیک ایرانی-عربی مورد بحث قرار دارد که امنیت یا ناامنی در آن تا حدود زیادی مربوط به مسایل سرزمینی میان هفت کشور کرانه‌ی (ایران، عربستان سعودی، عراق، عمان، کویت، قطر، بحرین و امارات متحده‌ی عربی) می‌شود. در همان حال (برخلاف این که

مطالعه‌ی پیشینه‌ی تقسیمات دریایی و تعیین مرزهای دریایی در خلیج فارس می‌پردازد.

بخش سوم کتاب روی اختلاف‌های سرزمینی میان دو کشور عربی قطر و بحرین تمرکز یافته است که شامل ۱۷ جزیره‌ی بزرگ و کوچک، ۲ پایاب، منطقه‌ی زباره و تقسیم مناطق دریایی و منابع زیرکف دریا در آن بخش از خلیج فارس می‌شود. این بخش مهم‌ترین اختلاف‌های درون-عربی در این منطقه را مورد توجه دارد و شامل دو فصل می‌شود (فصل‌های پنجم و ششم کتاب). در حالی که نخستین فصل از این بخش در مورد پیشینه‌های تاریخی مربوط به پیدایش دو حکومت بحرین و قطر را بحث کرده و روند شکل‌گیری اختلاف‌های سرزمینی میان آن دو را مطالعه می‌کند، دومین فصل از این بخش جزیره‌ها، پایاب‌ها، مناطق کرانه‌یی و مناطق دریایی مورد اختلاف را به گونه‌یی گسترده و با کمک گرفتن از اسناد فراوان بریتانیایی، عربی و ایرانی که در سراسر این بخش استفاده شده است را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

این بخش یکی از دو مورد بسیار پیچیده، ناشناخته و حل نشده از اختلاف‌های سرزمینی در خلیج فارس را مورد مطالعه قرار داده که در همان حال، یکی از نمونه‌های چشمگیر از مسایل سرزمینی ناشی از

مناطق گوناگون جهان، از جمله منطقه‌ی خلیج فارس، نیازمند یافتن جای شایسته خود در این روند هستند، آغاز می‌شود. پس از بحث در این باره که خلیج فارس، براساس ویژگی‌ها و تعاریف ویژه‌ی خود، یک منطقه‌ی ژئوپولیتیک است، تاریخچه‌ی از فرآیند مفهوم "مرز" در آن منطقه‌ی ژئوپولیتیک ویژه معرفی شده است.

بخش اول کتاب مسأله‌ی امنیت و سرزمین‌گرایی را در خلیج فارس مورد بحث قرار داده است. این بخش شامل دو فصل است که نخستین فصل پیرامون نگرانی‌های امنیتی و ترتیبات امنیتی در منطقه تمرکز دارد و با ارایه‌ی فهرستی از اختلاف‌های سرزمینی پایان می‌گیرد و فصل دوم روی موقعیت راهبردی تنگه‌ی هرمز تکیه دارد که حساس‌ترین نقطه‌ی راهبردی خلیج فارس شمرده می‌شود و این که یک موقعیت حساس چگونه روابط دراز مدت میان ایران از یک سو و کشورهای عربی از سوی دیگر را تحت تأثیر دارد.

از آنجا که مطالعه‌ی زیربنا‌های تاریخی ساختارهای سیاسی سرزمینی از اهمیتی بنیادین در هر مطالعه‌ی جغرافیای سیاسی برخوردار است، نخستین فصل از بخش دوم کتاب (فصل سوم) روی زیربنا‌های تاریخی سرزمین‌گرایی در خلیج فارس تمرکز دارد، درحالی که دومین فصل از این بخش (فصل چهارم کتاب) به

طرف دیگر در اختلاف‌های سرزمینی و دریایی مطالعه شده در متن کتاب خودداری می‌ورزد، نتیجه‌گیری را به مطالعه‌ی ایجاد اختلاف‌های سرزمینی در خلیج فارس در گذشته و این که این اختلاف‌ها تا چه اندازه مانع گسترش روابط خوب و همکاری میان کشورهای کرانه‌ی شده است، اختصاص می‌دهد. هدف از این بحث این است که تاریخ همکاری‌های ایرانی - عربی در دهه‌ی ۷۰ ثابت می‌کند هرگاه شرایط آماده باشد، دو طرف می‌توانند براین اختلاف‌ها چیرگی یابند و درحالی که ژئوپولیتیک جهانی دهه‌ی ۹۰ و آغاز قرن بیست و یکم ایجاد گروه‌بندی‌های منطقه‌ی را دیکته می‌کند، خلیج فارس می‌تواند امکان ایجاد یکی از بانفوذترین گروه‌بندی‌های منطقه‌ی در جهان را در اختیار گذارد؛ ترتیبی که سراسر منطقه را می‌تواند به سلامت به ژئوپولیتیک جهانی قرن بیست و یکم رهنمون کند.

در مجموع، این کتاب می‌تواند در میان کتاب‌های مرجع سنگین وزن جای گیرد، چرا که به حقیقت یک اثر دانشمندانه از پژوهش و تحقیق است. این کتاب منحصر به فرد است، چرا که تاکنون هیچ اثری منتشر نشده است که روی مطالعه‌ی جغرافیایی سیاسی مناطق دریایی خلیج فارس تمرکز داشته باشد.

گرایش‌های سرزمینی در جهان شمرده می‌شود. بخش چهارم کتاب مطالعه‌ی گسترده‌ی از اختلاف‌های میان ایران و امارات متحده‌ی عربی بر سر دو جزیره‌ی تنب و ابوموسی را در برمی‌گیرد. این بخش به چهار فصل تقسیم شده است (فصول هفتم، هشتم، نهم و دهم کتاب). نخستین فصل از این بخش، تعریف جغرافیایی مختصری از جزیره‌های مورد اختلاف به دست می‌دهد و آنگاه روند فرا آمدن حکومت (کشور) در ایران و امارات متحده‌ی عربی را مورد مطالعه‌ی کوتاهی قرار می‌دهد. این فصل شامل یک مطالعه‌ی تاریخی بی‌مانند از حکمرانی عرب قواسم در بندر لنگه نیز می‌شود. دومین فصل از این بخش باز پیدایی این مورد از اختلاف‌های دو طرف در دهه‌ی ۹۰ را مورد مطالعه قرار می‌دهد، در حالی که سومین فصل از این بخش بحث‌های حقوقی و تاریخی را که در گذشته از سوی بریتانیا و در دهه‌ی ۹۰ از سوی امارات متحده‌ی عربی پی‌گیری شده و یا می‌شود، به اضافه‌ی واکنش‌های حقوقی و تاریخی ایران در این برخورد را مورد بررسی قرار می‌دهد. فصل چهارم از این بخش، رویدادهای اوایل دهه را مورد مطالعه قرار می‌دهد که منجر به باز پس دادن این جزایر به ایران شد.

در حالی که مولف در بحث پایانی کتاب از نتیجه‌گیری به سود یک طرف و به زیان



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فرسټي
پرتال جامع علوم انساني